

فصلنامه پژوهش حقوق

سال سیزدهم، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۰، ویژه نامه حقوق ارتباطات

صفحات ۱۸۲-۱۵۹

تحولات نظام حقوقی مطبوعات در ایران از ابتدای پیدایش تا پیش از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹

دکتر رحمان سعیدی rsaeedi_77ap@yahoo.com

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

محمد محسن غفوریان نادرزاد ghafourian@acecr.ac.ir

دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۱

چکیده

در این مقاله با نگاهی تاریخی روند شکل‌گیری و تحولات اولیه‌ی مرتبط با تدوین و اجرای قانون مطبوعات در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. این کار از طریق بررسی شرایط قانونگذاری‌ها و دادرسی‌های مطبوعاتی در دوره‌ی قریب به بیست ساله‌ی بین سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۳۰۰ هجری شمسی (سال‌های پیدایش و استقرار مشروطیت در ایران) انجام شده است. به بیان دیگر این مقاله کوشیده است تا از پنجره‌ی حقوق مطبوعات، سیر تحولات تاریخی ایران را در دوره‌ی مذکور نظاره کند و مسیر و فرآیند تحولات نظام حقوقی مطبوعات در ایران را در بطن و متن شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوره‌های تاریخی مورد نظر مورد شناسایی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: قانون مطبوعات، حقوق مطبوعات، دادرسی‌های مطبوعاتی، جرائم مطبوعاتی،

مشروطیت.

مقدمه

موضوع این مقاله بررسی و شناخت "تحولات نظام حقوقی مطبوعات در ایران" از طریق شرایط قانونگذاری‌ها و دادرسی‌های مطبوعاتی در دوره‌ی قریب به بیست ساله‌ی بین ۱۲۸۰ تا ۱۳۰۰ هجری شمسی (۱۳۱۹ تا ۱۳۴۰ هجری قمری) است. برای نیل به این مقده رویکردی تاریخی تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره‌ی زمانی مورد نظر را با کرده، فرآیند پیدایش، تغییر و تکامل مقررات مرتبط با مطبوعات و همچنین چگونگی مقررات مذکور در حوزه‌ی دادرسی‌های مطبوعاتی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

از جمله زمینه‌هایی که می‌تواند در تحلیل رویدادهای تاریخی یک جامعه مورد توجه عناصر و عوامل مرتبط با نظام‌های حقوقی آن جامعه است. بدین معنی که نظام‌های حقوقی می‌توانند بازتاب مناسبی از تحولات تاریخی یک جامعه ارائه کنند، چرا که بدون تردید پی تغییرات و توسعه‌ی نظام‌های حقوقی منبث از شرایط مختلف هر عصر و زمان است. حتی آن، تغییر در بینش‌ها، باورها و نگرش‌های یک قوم، نگاه تازه‌ای را در بین آن‌ها نسبت به جهان، خداوند، تاریخ، اخلاق، مذهب و ... پدید می‌آورد که بر مبنای این نگرش‌ها رویکرد و رفتار جدیدی پیدا می‌شود که به نوبه‌ی خود مناسبات تازه‌ای را در بین اعضای آن ایجاد می‌نماید و در نتیجه قواعد مربوط به تنظیم این مناسبات (حقوق) نیز دچار دگر می‌شود. بنابراین می‌توان برای شناخت تاریخ یک کشور از دریچه‌ی "تاریخ حقوق" نیز جامعه نگریست.

بر همین مبنا در این مقاله تلاش شده است تا با محور قرار دادن موضوع‌های مرتبط با مطبوعات، سیر تحولات تاریخی ایران را در دو دهه‌ی پایانی قرن سیزدهم هجری شمسی کنیم تا از این طریق، فرآیند تحولات نظام حقوقی مطبوعات در ایران را در بطن و متن اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوره‌ی تاریخی مورد بحث شناسایی کنیم.

در این دوره اوضاع و احوال متفاوتی در جامعه پدیدار شد که به دنبال خود موجب تنوع مختلف اجتماعی در کشور گردید و فضای قانونگذاری و دادرسی‌ها را نیز تحت‌الشعاع خود داد. همچنین در این سال‌ها آفاتی خاص حیات مطبوعات را تهدید می‌کرده است. به عنوان در سال‌هایی که مطبوعات آزادی عمل بیشتری در انتشار داشتند، گاه فضای جامعه را به حرمت‌شکنی، افترا و حتی باج‌خواهی سوق دادند (طاهری موسوی؛ ۱۳۷۹: ۲۵)، و یا با زمانی نیز، کوچکترین حق قانونی مسلمی نیز از مطبوعات دریغ می‌گردید.

۱. مروری بر پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق

اغلب پژوهش‌های مرتبط با موضوع این مقاله، توسط دانشجویان دانشگاه‌ها در قالب پایان‌نامه‌ی تحصیلی به رشته‌ی نگارش درآمده است. حوزه‌ی تخصصی و رشته‌ی تحصیلی بیش‌تر دانشجویان مذکور نیز "حقوق" بوده و اکثراً نیز در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد تدوین شده‌اند. در مشابهت با موضوع این مقاله، اخیراً یک کتاب نیز (با مشخصات کتابشناسی: معین فرد، محمدرضا، سیر تحول قوانین مطبوعات در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸) روانه‌ی بازار انتشار شده است که در این مجال سعی می‌شود تعدادی از پایان‌نامه‌های مرتبط و کتاب مذکور به عنوان پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

الف) کتاب "سیر تحول قوانین مطبوعات در ایران"

این کتاب در سه بخش شامل مباحث نظری، سیری در قوانین مطبوعات از مشروطه تا انقلاب اسلامی و تحولات قوانین مطبوعات جمهوری اسلامی تدوین شده است. کتاب مذکور یکی از معدود منابعی است که در موضوع خاص "بررسی سیر تاریخی قانونگذاری در حوزه‌ی مطبوعات" به رشته‌ی نگارش درآمده است. هر چند از این نظر تلاشی قابل توجه است، ولیکن به نظر می‌رسد از جهات متعددی نیازمند تکمیل و تصحیح باشد. از جمله آن که؛

- اشاره به متن قوانین و مقررات مصوب در حوزه‌ی مطبوعات، علاوه بر مستند کردن مطالب و افزایش اعتبار علمی کتاب، می‌تواند چشم‌اندازی از قابلیت‌های قوانین مورد تحلیل به خواننده ارائه دهد. متأسفانه در این اثر کمتر اشاره‌ای به متن قوانین و مقررات موجود شده است.
- تحولات تاریخی قوانین مطبوعات آن‌گاه بهتر قابل درک است که با ارائه‌ی نقدی محتوایی، امکان مقایسه‌ی محتوای هر قانون جدید با قوانین مصوب قبلی فراهم شود، کاری که در این اثر چندان مورد توجه قرار نداشته است.
- در تاریخ حدود یکصد سال اخیر، حجم قابل ملاحظه‌ای از قوانین، لوایح و مصوبات به مجموعه متون حقوقی کشور اضافه شده است (بیش از ۷۰ عنوان) که بسیاری از آن‌ها منجر به تحولات مهمی در حوزه‌ی مطبوعات ایران شده است. در این کتاب بخش کمی از مقررات مذکور مورد اشاره و بررسی قرار گرفته است، در واقع تنها آن دسته از قوانین که مستقیماً در موضوع و با عنوان مطبوعات تصویب شده‌اند در این اثر مورد عنایت قرار داشته‌اند.

- کتاب مذکور پژوهش در بخشی از قوانین مرتبط با موضوع مطبوعات را دنبال کرده و تحولات حوزه‌ی قانونگذاری را (آن هم بدون رویکرد مقایسه‌ای و تحلیلی) مد نظر قرار است و بُعد مهم دیگر نظام حقوقی حاکم بر مطبوعات (یعنی بُعد قضایی) را کمتر عنایت قرار داده است.

ب) پایان‌نامه‌ی «بررسی تحلیلی حقوق مطبوعات در ایران»

این پایان‌نامه توسط فاطمه اسماعیلی ابهری در مقطع کارشناسی ارشد نگارش شده و به راهن دکترا سیدمحمد هاشمی و مشاوره‌ی دکتر سیدجمال سیفی در سال ۱۳۸۱ در دانشکده دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است.

این پایان‌نامه با رویکردی حقوقی موضوع‌های مرتبط با قانون مطبوعات را مورد تحلیل قرار است. بیش‌تر حجم این پایان‌نامه که در حدود ۲۴۰ صفحه تهیه و تدوین شده است، به بررسی موضوع مسئولیت کیفری در قانون مطبوعات، تحلیل جرائم مطبوعاتی و مرور آیین دادرسی دادگاه مطبوعات اختصاص یافته است. نکته‌ی قابل ذکر آنکه در تحلیل‌های ارائه شده آثار مقررات موجود در حوزه‌ی مطبوعات مورد نظر نگارنده بوده است و قابلیت‌های قوانین مختلف طی دوره‌های تاریخی مختلف با یکدیگر مقایسه نشده است، از این رو فاقد چشم‌اندازی تاریخی است. نکته‌ی دیگر آنکه نگاه نویسنده در بررسی قوانین، بیشتر معطوف به شش قانون مصوب مرتبط با مطبوعات (۱۲۸۶، ۱۳۳۱، ۱۳۳۴، ۱۳۵۸، ۱۳۶۴ و ۱۳۷۹) بوده است و از میان مصوبات این حوزه فقط سه اصلاحیه سال‌های ۱۳۰۱، ۱۳۲۱ و ۱۳۲۷ مورد اشاره قرار گرفته است.

ج) پایان‌نامه‌ی «قانون مطلوب مطبوعات در ایران (نظرسنجی از روزنامه‌نگاران، حقوقدانان سیاستمداران)»

این پایان‌نامه نیز توسط مریم تقی‌خانی در مقطع کارشناسی ارشد نگارش شده و به راهن دکترا کاظم معتمدنژاد و مشاوره‌ی دکتر نعیم بدیعی در سال ۱۳۸۱ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) دفاع شده است.

در این پایان‌نامه دو سؤال اصلی مورد کنکاش قرار گرفته است؛ نخست آنکه قانون مطبوعات ایران از ابتدا تا کنون چه مسیر تاریخی را پشت سر گذاشته است؟ و دیگر آنکه مضامین تأکید و توافق حقوقدانان، روزنامه‌نگاران و نمایندگان مجلس برای تدوین قانون مطلوب و تأ

کننده‌ی آزادی در ایران کدام است؟ در پاسخ به سؤال نخست، سیری اجمالی در بخشی از قوانین موجود در این زمینه صورت گرفته است، اما اولاً همه‌ی مصوبات مرتبط مورد عنایت قرار نگرفته (تنها ۱۸ قانون ذکر شده است، در حالی که در حوزه‌ی مقررات موجود مرتبط با مطبوعات، با کمی اغماض حدود ۷۰ مصوبه را می‌توان برشمرد که از میان آن فقط ۴۶ مصوبه به نوعی از تصویب مجالس مختلف گذشته است) ثانیاً در بررسی همین قوانین مورد اشاره نیز گاه تنها به کلیات قانون بسنده شده و توضیح بیشتری راجع به محتوای آن اشاره نشده است. فی‌المثل در خصوص مصوبه‌ی مورخه ۱۲ اسفند ۱۳۲۷ مجلس، به ذکر عبارت "در همان سال ماده واحده اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۲ اسفند ۱۳۲۷ اختیارات بیشتری برای توقیف خودسرانه به مقامات حکومتی داد" (صفحه‌ی ۳۵)، اکتفا شده است. در بررسی لایحه‌ی قانونی مطبوعات دکتر مصدق نیز آمده: "این لایحه‌ی قانونی مشتمل بر ۵ فصل، ۲۶ ماده و ۱۱ تبصره بود. تعریف و تأسیس روزنامه، حق جوابگویی، جرائم مطبوعاتی، تخلفات، دادرسی مطبوعاتی و هیأت منصفه از فصل‌های این لایحه قانونی بود. در ماده‌ی ۴۲ این قانون گفته شده بود: هیچ روزنامه‌ای را قبل از صدور حکم دادگاه نمی‌توان توقیف کرد مگر در انتشار مطالبی که مضر به اساس دین اسلام باشد، هتک احترام از مقام سلطنت باشد، اسرار نظامی مکشوف شده باشد، دعوت به عصیان در مقابل قوای رسمی مملکتی کرده باشد یا مقالات مضر به عفت عمومی یا اشاعه صور قبیحه باشد" (صفحه‌ی ۳۶). نمونه‌ی دیگر آنکه در بررسی دوره‌ی زمانی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۶ به صورت فهرست‌وار و در کمتر از یک صفحه عنوان وقایع مهم آن دوره (شامل برگزاری اولین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، احیای آموزش دانشگاهی روزنامه‌نگاری، تصویب لایحه‌ی سخت و زیان‌آور بودن حرفه‌ی روزنامه‌نگاری، تأسیس دو کانون صنفی و ...) بدون اشاره‌ی محتوایی ذکر شده است.

همانگونه که ملاحظه می‌شود اولاً در گردآوری مقررات و مصوبات مرتبط با مطبوعات، همه‌ی مستندات موجود مورد توجه قرار نگرفته و ثانیاً در تحلیل همان بخش از قوانین مورد نظر نیز به ذکر کلیاتی اکتفا شده و قابلیت‌های قوانین مورد عنایت و تحلیل نبوده است، این رویکرد باعث گردیده که بررسی وقایع تاریخی و قوانین مطبوعاتی، در مختصرترین شکل آن انجام گیرد به نحوی که پژوهش‌یادشده در حجمی بالغ بر ۱۶۷ صفحه به صورت نهایی به رشته‌ی تحریر درآمده است.

۲. روش تحقیق

در این پژوهش، با هدف شناخت رویدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با وضع قوانین و مقررات مطبوعاتی و نیز دادرسی‌های مطبوعاتی در طول دوره‌ی زمانی مورد نظر، از تحلیل تاریخی استفاده شده است، برای این منظور ضمن جستجو و استخراج داده‌های اجتماع منابع تاریخی، به تبیین و تحلیل آنها پرداخته‌ایم.

۳. توصیف و تحلیل رویدادهای تاریخی حوزه حقوق مطبوعات

الف) وضع نخستین مقررات حکومتی

نخستین روزنامه‌ی ایران مشهور به "کاغذ اخبار" در سال ۱۲۱۶ شمسی (مهر ۱۲۵۳ هجری قمری) آغاز به انتشار کرد. حدود ۱۳ سال بعد، یعنی در اواخر سال ۱۲۲۹ شمسی (ربیع‌الثانی ۱۲۶۰ هجری قمری) روزنامه‌ی "وقایع اتفاقیه" منتشر شد و به تدریج پس از آن جامعه‌ی ایرانی شاهد پیدایش و گسترش مطبوعات در عرصه‌های مختلف و متنوع فرهنگی و اجتماعی بود. در سال ۱۲۴۹ شمسی (۱۲۸۷ هجری قمری) ناصرالدین شاه فرمانی مبنی بر انتظام دارالطباعة صادر کرد و مقرر شد همه‌ی روزنامه‌های موجود تعطیل شده، یک نشریه با نام "ایر" منتشر شود. این فرمان منجر به تأسیس اداره‌ی روزنامجات دولت علیه در حوزه‌ی وزارت علوم که سرپرستی انتشار روزنامه‌ها را بر عهده گرفت. با گسترش تقاضای انتشار نشریات و توسعه کار این اداره، بعدها (در سال ۱۲۶۱ شمسی / ۱۲۹۹ هجری قمری) به وزارت انطباعات ارتقا یافت و محمدحسن خان صنیع‌الدوله (که بعدها به لقب اعتمادالسلطنه نیز متصف شد) به سمت ارباب انطباعات منصوب شد.

طی سال‌های ۱۲۵۷ تا ۱۲۶۰ شمسی تعداد روزنامه‌ها و نشریات افزایش یافت و باعث بروز توسعه‌ی جنگ قلمی میان آن‌ها با یکدیگر شد. این مسئله باعث شد به پیشنهاد کنت دومونت (رئیس ایتالیایی نظمی‌ی تهران) نخستین کتابچه‌ی قانون در حوزه‌ی اداره‌ی جامعه تدوین و پس از تأیید ناصرالدین شاه در دوم مهر ماه ۱۲۵۸ شمسی مصادف با ۷ شوال ۱۲۹۶ هجری قمری (شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۷: ۱۲)، منتشر گردد. این کتابچه با هدف انتظام‌بخشی به امور جامعه تنظیم بود و در آن برای انواع تخلف‌ها، درجاتی از مجازات در نظر گرفته شد که بخش‌هایی از آن کنترل مطبوعات مرتبط و قواعدی در خصوص ممیزی مطبوعات در آن گنجانده شده (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۳۱-۳۰). در این سند «ضدیت با پادشاه، دولت، مذهب و ملت» از -

جرائمی به حساب آمده که مجازاتی خاص (که شامل حبس از حداقل یک ماه تا حداکثر پانزده سال می‌باشد)، به دنبال دارد. قابل ذکر آنکه حتی وجود همین مقررات "شبه‌قانونی" نیز الزامی برای عملکرد مطابق با مقررات برای دستگاه حاکمیت پدید نمی‌آورد و هرگونه بازجویی، تیبیه و تبعید دست‌اندرکاران جرایم تا قبل از پیروزی انقلاب مشروطه را تنها می‌توان در چارچوب خوی استبدادی دستگاه حکومتی مورد بررسی قرار داد (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۶).

ب) وقوع انقلاب مشروطه و تصویب نخستین قانون اساسی کشور

با پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ شمسی (۱۳۲۴ هجری قمری)، مرحله‌ی تازه‌ای در حیات مطبوعات آغاز و به دنبال تشکیل مجلس شورای ملی در همین سال، دوره‌ی نوینی در تاریخ قانونگذاری حوزه‌ی مطبوعات ایجاد شد. قانون اساسی مشروطه در پانزدهم ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هجری قمری (نهم دی‌ماه ۱۲۸۵ هجری شمسی) به امضای مظفرالدین شاه رسید، بدین ترتیب پس از کتابچه‌ی قانون کنت دومونت فرت، نخستین قانونی که در مرجعی رسمی به تصویب رسید و در آن اشاره‌ای به مطبوعات و چگونگی فعالیت مجاز آن‌ها داشت، قانون اساسی مشروطه بود. در اصل سیزدهم این قانون آمده است:

«هرکس صلاح‌اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه‌ی عمومی برنگارد تا هیچ امری از امور در پرده و بر هیچ کس مستور نماند. لہذا عموم روزنامه‌ها مادامی که مندرجات آن‌ها مخل اصلی از اصول اساسی دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که مطالب مفید عام‌المنفعه را، همچنان مذاکرات مجلس و صلاح‌اندیشی خلق را بر آن مذاکرات به طبع رسانیده منتشر نمایند.»

در حالی که تا پیش از امضای حکم مشروطه توسط مظفرالدین شاه، تنها ۱۰ روزنامه در کشور منتشر می‌شد، در فاصله‌ی زمانی کمتر از یک سال تعداد کل نشریات کشور به ۸۳ نشریه (و در تهران به ۳۰ روزنامه) رسید.

ج) محاکمه قبل از تصویب قانون مطبوعات

نخستین مورد از محاکمات مطبوعاتی که به علت عدم تصویب قانون مطبوعات می‌توان آن را نخستین شبه‌محاکمه‌ی مطبوعاتی تلقی کرد، محاکمه‌ی میرزا جهانگیر خان، مدیر روزنامه‌ی صوراسرافیل در خرداد ماه ۱۲۸۶ (ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ قمری) به خاطر درج مقاله‌ای در نخستین شماره‌ی آن روزنامه است (شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۷: ۶). این محاکمه نه در یک دادگاه بلکه در وزارت

علوم انجام شد و در یک سوی آن وزیر علوم (مخبرالسلطنه‌ی هدایت) و در سوی دیگر جهانگیر خان قرار داشتند. در آن زمان هنوز متمم قانون اساسی تصویب نشده بود و بدین محاکمه در یک دادگاه اداری انجام گرفت (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۹). در پایان نیز مقرر شد تا میرزا جهانگیر خان در شماره‌ی دوم شرحی بنویسد و آلا روزنامه‌ی او توقیف خواهد شد.

کمتر از ۱۰ ماه بعد از تصویب قانون اساسی مشروطه، متمم این قانون در کشاکش مشروطه و محمدعلی شاه (در تاریخ ۱۲۸۶/۰۷/۱۴ شمسی مصادف با ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری) به تصویب رسید. این متمم که به لحاظ تعداد مواد قانونی و حجم، بیش از دو برابر قانون اساسی مصوب بود، در اصول خود نیز با صراحت بیشتری موضوع مطبوعات را مد نظر قرار داد. در اصل متمم قانون اساسی مشروطه آمده است: «عامه‌ی مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره مبین آزاد و ممیزی در آن‌ها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معرو مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند».

اصل هفتاد و نهم متمم نیز اشاره‌ای به نحوه‌ی برگزاری محاکم مطبوعاتی دارد که نخستین موضوع هیأت منصفه و ضرورت حضور آن در محاکم مطبوعاتی مورد اشاره قرار گرفته است. این اصل آمده است: «در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیأت منصفین در محاکم - خواهند بود».

تعبیر و تفاسیری که بعدها از اصل ۷۹ مذکور شد نتایج معکوسی به همراه داشت؛ اولاً مهم‌ترین تفسیر از اصل ۷۹ این بود که همانگونه که از ظاهر مفاد ماده مذکور معلوم "اتهامات یا جرائم مطبوعاتی" و "اتهامات یا جرائم سیاسی" توسط دادگاه و با حضور هیأت منصفه رسیدگی خواهد شد. ولی در کنار تفسیر مذکور، تفسیر دیگری از اصل ۷۹ مطرح شد براساس آن، منظور قانونگذار از وضع ماده مذکور، رسیدگی به "اتهامات و جرائم مطبوعات" در دادگاه‌ها و با حضور هیأت منصفه است. طرفداران این تفسیر عبارت «تقصیرات سیاسی مطبوعات» مندرج در اصل ۷۷ متمم مذکور را شاهد مثال می‌آوردند و به این استناد می‌داشتند که منظور قانونگذار در اصل ۷۹ نیز "تقصیرات سیاسی مطبوعات" است و نه "تقصیرات و جرائم مطبوعاتی". در نتیجه اتهامات و جرائم غیر سیاسی مطبوعات در دادگاه عادی و بدون حضور هیأت منصفه می‌باید رسیدگی شود (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۸). هر تصویب متمم قانون اساسی می‌توانست در نظام‌مند کردن رویه‌ی برخورد با مطبوعات تأثیر

باشد، اما در عمل این اتفاق چندان مؤثر نبود. بهانه‌ی اصلی دولت برای عدم اجرای بندهای مربوطه در قانون اساسی و متمم آن، عدم وجود قانون مخصوص مطبوعات بود.

حدود شش ماه بعد از محاکمه‌ی مدیر روزنامه‌ی صوراسرافیل در وزارت علوم، نخستین محاکمه‌ی رسمی یک مدیر روزنامه در دادگاه، در ۲۶ آبان ۱۲۸۶ شمسی (یعنی در ۱۲ شوال ۱۳۲۵ قمری، زمانی که هنوز حدود سه ماه به تصویب قانون مطبوعات باقی بود) صورت گرفت که عبارت بود از محاکمه‌ی سلطان‌العلمای خراسانی مدیر روزنامه‌ی "روح‌القدس" براساس شکایت محمدعلی شاه از درج مقاله‌ای انتقادی در شماره‌ی سیزدهم این نشریه.

علی‌رغم تصویب متمم قانون اساسی توسط مجلس شورای ملی، باز هم جلسه‌ی محاکمه در وزارت علوم برگزار شد. این موضوع مورد اعتراض سلطان‌العلمای قرار گرفت. به گفته‌ی او محاکمه «مطابق [متمم] قانون اساسی [با] حضور هیأت منصفین باید باشد». ولی پاسخی جز اینکه «هیأت منصفین لازم نیست» دریافت نکرد. هر چند با اعلام گذشت وزیر علوم به نمایندگی از محمدعلی شاه، پرونده‌ی این محاکمه مختومه شد (شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۷: ۶)، اما در هر حال توقیف روح‌القدس که قبل از این محاکمه اداری انجام شده بود، پس از آن نیز تا دی ماه ۱۲۸۶ ادامه یافت (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۹).

د) تصویب نخستین قانون مطبوعات

از جمله مهم‌ترین وقایع سال ۱۲۸۶ شمسی تصویب نخستین قانون مطبوعات ایران در مجلس شورای ملی بود که الگوبرداری اولیه‌ی آن از قانون مطبوعات ۱۸۸۱ فرانسه صورت گرفت. سپس مواد قانون مطبوعات در کمیسیونی که در آن حجج اسلام هم حضور داشتند با قوانین شرعیه تطبیق داده شد و طی ماه‌های آذر و دی ۱۲۸۶ در مجلس طرح شده و در نهایت در جلسه پنجم محرم ۱۳۲۶ قمری (۱۸ بهمن ۱۲۸۶) به تصویب رسید.

این قانون پس از سپری شدن حدود ۱۶ ماه از حیات نخستین مجلس شورای ملی مصوب شد که به نوعی می‌توان آن را از نخستین قوانین مصوب کشور به حساب آورد، به طوری که پیش از قانون مطبوعات تنها ۵ قانون در مجلس شورا به تصویب رسیده بود. این قانون دارای یک مقدمه، شش فصل و ۵۲ ماده است و جالب‌تر آنکه «همین قانون مفصل‌ترین قانون مطبوعات ایران از آن دوره تا به امروز نیز محسوب می‌شود» (اسماعیلی؛ ۱۳۸۲: ۳۴).

از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های نخستین قانون مطبوعات می‌توان موارد ذیل را برشمرد؛

– ویژگی‌های کلی: در این قانون علاوه بر قواعد مرتبط با انتشار مطبوعات، مقررات نشر آ نیز مد نظر قرار گرفته است. همچنین به لحاظ شرح و بسط انواع جرائم مرتبط با نشر روزنا کتاب و تعیین دقیق میزان مجازات هر یک از جرائم دقیق‌ترین و مفصل‌ترین قانون مطبوعات هم‌ی دوره‌هاست (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۳۴). قانون مطبوعات مشروطه تحت تأثیر قانون مطبو ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه نگاشته شد، به همین دلیل به جای الزام مطبوعات به اخذ مجوز برای ان ت تسلیم اظهارنامه به وزارت معارف و نظارت انطباعات را کافی دانسته است (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۳۴). در مقدمه‌ی قانون آمده است: هر کس بخواهد ... جریده ... به طبع برساند ... باید بدو ا عدم ت از فصول این قوانین را نزد وزارت معارف به التزام شرعی ملتزم و متعهد شود. در ماده‌ی ۱ آمده: قبل از طبع و انتشار هر روزنامه و ورقه مقرر مدیر جریده مکلف است که [اسم و ر م مشخصات نشریه] را در روی یک ورقه به نظارت انطباعات بفرستد.

– شرایط تأسیس روزنامه: پس از التزام شرعی متقاضی نزد وزارت معارف و ارسال مشخه نشریه به نظارت انطباعات، هر فرد ایرانی، که به ۳۰ سالگی رسیده و زوال شرف از او نشده یعنی مرتکب جنحه و جنایات و مشهور به فسق و فساد عقیده نباشد (ماده‌ی ۶) می‌توانست روز منتشر کند.

– شیوه‌ی رسیدگی به جرائم: در ماده‌ی ۴۶ اشاره گردیده: "تجاوزات قانونی که موجب سیا مباشرین روزنامه و مطبوعه و دیگر مطبوعات خواهد شد از طرف اداره انطباعات در مع بازخواست درآمده در عدلیه مورد محاکمه خواهد شد". این قانون اشاره‌ی دیگری به نح تشکیل دادگاه و صدور احکام و یا لزوم حضور هیأت منصفه در دادگاه مطبوعاتی ندارد. در ع علت این موضوع شاید بتوان گفت چون موضوع هیأت منصفه مربوط به دادگاه عدلیه می نمایندگان آن را در قانون مطبوعات ذکر نکردند. در نتیجه تصویب قانون مطبوعات نیز راهی اجرای اصل ۷۹ متمم قانون اساسی باز نکرد. پس از آن باز هم در مذاکرات نمایندگان مجا سخن از تشکیل دادگاه‌های مطبوعاتی در وزارت علوم بود. از جمله در اسفند ۱۲۸۶ در مذاک نمایندگان مطرح می‌شود: «در خصوص استنطاق و محاکمه‌ی مدیر روزنامه‌ی روح‌القدس تعرضاتی نسبت به اعلی حضرت و هیأت کابینه و وکلای محترم نموده، بعضی اظهار داشتند چون قانون انطباعات تمام شده و به صحه رسیده خوب است به موجب همان قانون خود وزا علوم و معارف رسیدگی نموده و مجازات را معین دارد. [علاوه بر آن] گفته شد که باید از ط وکلای یک نفر به سمت وکالت خود حضور داشته باشد و مدعی شود تا اینکه محاکمه به عمل

بعضی اظهار داشتند که وکیل باید یک نفر شخص خارج از مجلس باشد، چند نفر از وکلا هم نظارت داشته باشند. بعضی داوطلبانه حاضر شدند که ما حاضر می‌شویم و از طرف وکلا و کالت می‌نماییم، گفته شد که باید مجلس معین کند و لازم به وکالت هم نیست، نظارت کفایت می‌کند» (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۱).

شاید سخنان حاج سید نصرالله در جلسه‌ی ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۷ مجلس را بتوان تنها موردی تلقی کرد که مجلس و نمایندگان به اجرای اصل ۷۹ علاقه نشان داده‌اند. در این رابطه حاج سید نصرالله گفت: «این یک مقامی است خیلی باریک، اگر اقتدار کاملی به حکام داده شود شاید آن را در مورد دیگر استعمال نمایند، اگر داده نشود شاید متمردين بنای فتنه و فساد بگذارند. به اعتقاد بنده یک تلگرافی وزیر داخله که متحدالمال باشد به تمام حکام بنماید که استعمال قوای حریبه در مورد متمردين فقط باشد، مادامی که به انقیاد در نمی‌آیند. اگر به نظارت انجمن یا هیأت منصفه نباشد، تولید اشکالات خواهد کرد». در همان زمان در خلال متن تئاتری که به مناسبت محاکمه مدیر جریده مساوات در آن جریده چاپ شد سخن از تشکیل دادگاه و احضار متهم به آن است. متن این نمایش بر مبنای مکاتبات واقعی بین محمدرضا مساوات و صدق‌الملک رئیس محکمه جزا نوشته شده است. در خلال مکاتبات مزبور، تغییر نگرش نسبت به انجام محاکمه مطبوعات از یک دادگاه اداری به دادگاهی متعارف و پذیرفته شده در متمم قانون اساسی مشهود است (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۱).

- جرائم: چنانکه اشاره شد این قانون مشروح‌ترین طبقه‌بندی جرائم را نسبت به سایر قوانین در خود دارد (معمذنژاد، ۱۳۷۹: ۲۸۳). فصل چهارم این قانون در ۲۰ ماده به تشریح انواع جرائم مطبوعاتی پرداخته و نکته‌ی قابل ذکر آنکه همین جرائم در قوانین بعدی نیز کمابیش مورد توجه قانونگذار قرار داشته‌اند. شش جرم اصلی که صراحتاً باعث توقیف روزنامه می‌شود را ماده‌ی ۴۹ بدین شکل فهرست نموده است: (۱) انتشار مطلب مضر به اساس مذهب اسلام (۲) هتک احترامات سلطنت (۳) افشای نقشه و طرح حرکت قشونی یا دیگر اسرار نظامی (۴) انتشار مطالبی که موجب هیجان کلی و اختلال آسایش عمومی بشود (۵) انتشار مطلب در جهت ضدیت با قوای رسمیه مملکت و (۶) اشاعه صور قبیحه بر ضد عصمت و عفت.

هـ) به توپ بستن مجلس و قلع و قمع مشروطه خواهان

در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب مشروطه تعارضات میان مطبوعات و قوای همچنان ادامه داشت، در سال ۱۲۸۷ احضار مدیران روزنامه‌ها، توقیف برخی نشریات، دستگیری تبعید برخی مدیران جراید و اعتراض روزنامه‌نگاران و مدیران مطبوعات به توقیف محاکمه‌ی مطبوعات ادامه داشت. در همین راستا می‌توان به محاکمه‌ی مدیر روزنامه‌ی "مسا" اشاره کرد؛ ماجرا از آنجا آغاز شد که محمدرضا شیرازی (مدیر مساوات) در اوایل خرداد ۱۲۸۷ در شماره‌های ۱۹ و ۲۱ خود با انتشار مقالاتی با عنوان "عید ظهور مطبوعات" و "شاه در حال است" نسبت به قانون مطبوعات و شخص محمدعلی شاه انتقاداتی را وارد نمود، محمد شاه با طرح رسمی شکایت از وی و تعیین محمدحسین میرزا (مؤیدالاسلام) به عنوان تقاضای رسیدگی کرد. مدیر مساوات نیز ملک‌المتکلمین را به عنوان وکیل خود تعیین کرد. جلسه‌ی دادگاه برگزار شد، اما این محاکمه هرگز به پایان نرسید، چرا که بیم آن می‌رفت میان وکلای طرفین زمینه‌ای تازه به دست روزنامه‌نگاران و آزادی‌خواهان تندرو بدهد. موز و ساطت عضدالملک (بزرگ ایل قاجار) خاتمه یافت و محمدعلی شاه از شکایت خود صرف کرد (شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۷: ۷).

کمی بعد محمدعلی شاه در ۱۴ خرداد ماه ۱۲۸۷ شمسی (چهارم جمادی‌الاول ۱۳۲۶ قمری) مجلس را به توپ بست و حکومت نظامی اعلام کرد، دستور قلع و قمع مخالفان را صادر کرد. جمله میرزا نصرالله ملک‌المتکلمین و میرزا جهانگیرخان مدیر صوراسرافیل خفه شدند، قزوینی، قاضی برجسته‌ی لیبرال و سلطان‌العلمای خراسانی مدیر روزنامه‌ی روح‌القدس شدند، سیدحاجی ابراهیم آقا، نماینده لیبرال تبریز، هنگام فرار کشته شد، یحیی میرزا اسکندری در اثر شکنجه جان سپرد، جمال‌الدین اصفهانی، به همدان تبعید شد و به طور مشکوکی درگذشت و آیت‌الله طباطبایی و آیت‌الله بهبهانی در خانه‌هایشان زندانی شدند. روزنامه‌نگاران و دفاتر یکی از مهم‌ترین اهداف هجوم مستبدین بودند. دفاتر بسیاری از جراید غارت شدند. تعداد آنها بدون محاکمه به قتل رسیدند. تعدادی تحت تعقیب قرار گرفته و مجبور به فرار شدند. بالاخره تعدادی نیز به گوشه‌ی عزلت پناه بردند. پس از آن به مدت ۱۳ ماه فعالیت روزنامه‌نگاری دچار رکورد شد.

اما دوره‌ی استبداد صغیر دوام چندانی نداشت، چرا که مشروطه‌خواهان نیز در مقابل با بیوستن صفوف خود، سازماندهی دوباره‌ای را علیه استبداد در سراسر کشور تشکیل داده

مبارزات خود شدت بخشیدند. سرانجام، در ۲۲ تیرماه ۱۲۸۸ به تهران رسیدند، با پناهنده شدن محمدعلی شاه در ۲۵ تیرماه به سفارت روسیه، استبداد سقوط کرد و جنگ داخلی به پایان رسید و دوره‌ی سلطنت ۱۶ ساله‌ی احمد شاه، آخرین شاه قاجار، از اوایل مرداد ماه ۱۲۸۸ آغاز شد.

و) ماجرای محاکمه‌ی مدیر حبل‌المتین

یکی از نمونه‌های ویژه در دادرسی مطبوعاتی دوره‌ی مشروطه، محاکمه‌ی سیدحسن کاشانی، مدیر مسئول روزنامه‌ی "حبل‌المتین" است. "این محاکمه اولین محاکمه‌ی مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه در تاریخ ایران است که منجر به صدور حکم گردید" (شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۷: ۸). ماجرای این محاکمه از این قرار است که روزنامه‌ی حبل‌المتین در شماره‌ی مورخه ۹ مرداد ۱۲۸۸ خود (۱۳ رجب ۱۳۲۷ قمری) مقاله‌ی با عنوان "اذا فسد العالم فسد العالم" چاپ کرد که غوغای شدیدی خصوصاً در بین روحانیون به راه انداخت، جلسه‌ی دادگاه برای رسیدگی به اتهام مدیر روزنامه‌ی مذکور با شکایت وزیر علوم، دادستانی منصورالسلطنه و قضاوت رسولزاده تشکیل شد. این دادگاه در روز یکشنبه ۱۶ مرداد ۱۲۸۸ (۲۰ رجب ۱۳۲۷ قمری) با حضور هیأت منصفه به اتهام رسیدگی کرد و بدین لحاظ شاید بتوان آن را نخستین دادگاه مطبوعاتی کاملاً قانونی در ایران قلمداد کرد (صالحی انصاری، ۱۳۸۵: ۷۳). نکته‌ی قابل توجه در خصوص ترکیب ۱۴ نفره‌ی اعضای هیأت منصفه، حضور نمایندگان اقشار مختلف و مخصوصاً روزنامه‌نگاران در هیأت مذکور است. در نهایت دادگاه رأی به محکومیت سیدحسن کاشانی مدیر مسئول روزنامه‌ی حبل‌المتین تهران داد. حکم صادر شده توسط دادگاه اذعان دارد: "چون به موجب ماده‌ی ۱۳ قانون مطبوعات در مقالات با امضا وقتی مدیر یا نیابت او هم مسئول نیست که از منهیات واضحه چیزی در مقاله آن مندرج نباشد و چون مقاله‌ی نمره شش "اذا فسد العالم فسد العالم" محتوی منهیات واضحه است و اثبات اینکه خود میرزا سیدحسن کاشانی نویسنده آن مقاله نیست و توضیحاتی که در باب عبارات روزنامه داده است مسئولیت مدیری مشارالیه را سلب و ساقط نمی‌کند، علی‌هذا بنا به دلایل مذکوره فوق هیأت محکمه‌ی جزا به اتفاق آرا میرزا سیدحسن کاشانی را برای طبع و نشر مقاله "اذا فسد العالم فسد العالم" که مخالفت صریحه با نص ماده ۳۳ قانون مطبوعاتی دارد به مجازات ذیل که در ماده مذکور مصرح است محکوم می‌نماید: تأدیة مبلغ دوپست و پنجاه تومان مجاناً و بلاعوض، ۲۳ ماه حبس و ۲۳ ماه توقیف روزنامه‌ی حبل‌المتین.

توضیح اینکه ابتدای مدت حبس و توقیف روزنامه از روز یکشنبه چهاردهم شهر رجب ۱۳۲۷" (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۱۲).

کاشانی به این حکم اعتراض کرد. دادگاه تجدید نظر در فروردین ماه ۱۲۸۹ (حدود هشت بعد) برای رسیدگی به اعتراض او تشکیل شد. در محکمه‌ی تجدید نظر هیأتی مرکب از تشکیل یافته و کار او را رسیدگی کردند. توضیحاتی را از محکمه‌ی اولیه‌ی که آقا سید محکوم کرده بود، خواسته شد و بعد از مذاکرات حکم محکمه را رد نموده و به براءت و داد. این دادگاه با استناد به ترکیب سیاسی اعضای هیأت منصفه دادگاه اول و نیز عدم پاره‌ای اصول از طرف اعضای مذکور رأی دادگاه اول را ابطال کرده و از مدیر جریده حبل‌تهران رفع توقیف کرد، هرچند روزنامه‌ی حبل‌المتین عملاً برای همیشه از انتشار بازماند. این محاکمه نمونه‌ی ایده‌آلی از نحوه‌ی رسیدگی به تخلفات مطبوعاتی بود که می‌تواند الگوی مناسبی برای دادگاه‌های مشابه بعدی خود باشد. ولی این روش در سایر دادگاه‌های ه کار گرفته نشد (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱-۱۴۰).

ز) محاکمه‌ی نویسنده‌ی مقاله

یکی از جالب‌ترین دادگاه‌های مطبوعاتی، محاکمه علی‌اکبر خان داور، معاون شعبه ثالث اسفند ماه ۱۲۸۸ (صفر ۱۳۲۸ قمری) است. علت تشکیل دادگاه شکایت یکی دیگر از ا وزارت عدلیه (معاون حضرت قاضی شعبه اول جزا) از میرزا علی‌اکبر خان به سبب چاپ و تحت عنوان "اسرار عدلیه" نوشته‌ی وی در روزنامه‌ی "ایران نو" بود. در طی این مقاله خان در مورد رشوه‌خواری "معاون حضرت" در هنگام رسیدگی به یکی از پرونده‌های افشاگری کرد. هم شاکی و هم متهم هر دو اعضای وزارت عدلیه بودند، ولی محاکمه در عادی برگزار شد. علی‌رغم اینکه موضوع اتهام چاپ یک مقاله بود، لیکن هیأت منصفه در حضور نداشته و در جریان مذاکرات آن نیز علی‌اکبر خان اعتراضی به عدم حضور هیأت در دادگاه نمی‌کند.

رأی صادره توسط دادگاه علی‌اکبر خان در تاریخ دادگاه‌های مطبوعاتی ایران بی‌نظیر براین اساس "شعبه‌ی ثانی استیناف رأی خود را در موضوع محاکمه‌ی مدعی‌العموم با آقا علی‌اکبر خان این قسم داد که چون دعوی عمومی فرع بر دعوی شخصی آقای معاون است بر آقا میرزا علی‌اکبر خان، و رئیس شعبه‌ی اول جزا (معاون حضرت) شخصاً در ه

حاضر شده و نتوانست ادعای هتک شرفی که کرده اثبات و اعتراضات نویسنده "اسرار عدلیه" (علی اکبر خان) را رد نماید، محاکمه صحت اعتراضات میرزا علی اکبر خان را تصدیق و معاون حضرت را در ادعای خود ذی حق نمی داند و به همین ملاحظه ادعایی نیز بر معزی الیه متوجه نمی شود» (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۶). نکته‌ی جالب آن است که بر اساس رأی دادگاه به جای اینکه نویسنده مقاله یا متهم ادعای خود را در مقاله اثبات کند، شاکی می بایست از خود رفع اتهام می کرد.

ح) تصویب قانون مربوط به دفع سلاح از اشخاص غیر نظامی

یکی از نخستین مصوبات مجلس دوم که در جهت تسلط به اوضاع کشور انجام شد، تصویب قانونی با عنوان «تصویب اختیارات تامه به هیأت وزرا برای نظامی کردن شهر و دفع سلاح از اشخاص غیر نظامی» بود که در ۲۵ رجب ۱۳۲۸ قمری (دهم مرداد ماه ۱۲۸۹) انجام شد. براساس این قانون هیأت وزرا اختیار یافت؛ «۱- اسلحه را بدون استثنا از اشخاص غیر نظامی و غیر مطیع خلع نمایند، ۲- خلع اسلحه به حکم هیأت وزراء به توسط نظمیّه و مأمورین نظامی و قوای مرتب دولت خواهد بود، ۳- هر کس در مقابل این حکم تمرد کند به قوه قهریه گرفتار و مجازات خواهد شد و ۴- از مجامع و مطبوعاتی که موجب فساد و هیجان باشد به قوه قهریه جلوگیری خواهد شد». همین مصوبه ابزاری شد برای دولت که اکثر روزنامه‌ها را توقیف و تعطیل کند.

سرکوب مجاهدین مسلح در پارک اتابک تهران (مرداد ماه ۱۲۸۹) به تدریج زمینه را برای بسط قدرت دولت و افزون شدن مخالفت اکثریت نمایندگان مجلس با مطبوعات در ماه‌های بعد فراهم ساخت. هر چه به پایان سال ۱۲۸۹ نزدیک‌تر می‌شویم، روابط بین مطبوعات و اقلیت نمایندگان مجلس از سویی و با دولت و اکثریت نمایندگان از سویی دیگر تیره‌تر می‌شود.

در آذر ماه ۱۲۸۹ در پی شکایت چند تن از نمایندگان مجلس از مدیر جریده برق (سید ضیاءالدین طباطبایی) به دلیل چاپ مقاله‌ای در هتک حرمت یکی از نمایندگان (ارباب کیخسرو) جلسه‌ی دادگاه بدون حضور هیأت منصفه تشکیل شد. سخنان و مدافعات سیدضیاء در این دادگاه مورد اعتراض یکی از نمایندگان (افتخارالواعظین) قرار گرفت. او در جلسه ۲۳ ذی‌قعدة ۱۳۲۸ قمری (۴ آذر ماه ۱۲۸۹ شمسی) مجلس گفت: "امروز در روزنامه‌ی ایران نو ملاحظه می‌شود که آقای سیدضیاء در محکمه‌ی جزا در ضمن محاکمه پاره‌های صحبت‌ها نموده است و از مذاکرات او بعضی مطالب معلوم می‌شود. اولاً بعضی اشخاص هم خیال او در محکمه حاضر می‌شوند و

می‌خواهند به مغالطه کاری اختتام این کار بشود. ثانیاً بعضی اجزای محکمه هم با او هم هستند، در صورتی که مندرجات روزنامه‌ی برق ابدأ محتاج به محاکمه نیست. زیرا بر احد و کلا و وزرا ابقا نکرده". در پاسخ به اظهارات نماینده مذکور، در مقاله‌ای تحت "محاکمه‌ی برق یا مخاطره آزادی" که در شماره ۹ جریده برق به تاریخ ۱۲ ذیحجه ۱۳۲۸ (۲۳ آذر ماه ۱۲۸۹) چاپ شد و به احتمال قریب به یقین نویسنده آن سیدضیاءالدین طباطبائی است، ضمن انتقاد از حمله نمایندگان مجلس به مطبوعات، عنوان می‌شود: "از انصاف، از مرز انسانیت می‌پرسیم که اگر افکار یک عده تنها حق مداخله در امور مملکتی داشته باشد، یک عده تنها خود را صاحب این مملکت بدانند و اگر یک جمعی حق نقادی را از عموم سلب کنند، اگر یک دسته آزادی قلم را پایمال نمایند، به هر اسم که باشد، خواه به اسم استبداد خواه به نام مشروطه، آیا آن دسته، آن جمعیت و آن عده را تفاوت اسم فرق می‌گذارند؟ استبداد هر اسم ملعون است. غاصبیت به هر عنوان ملعون است، به اسم پادشاه باشد یا به اسم وکالد نمایندگی، به عنوان وزرای در نادری باشد، یا اعضای پارلمانی" (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۳۱).

ط) محاکمه‌ی مدیر مسئول روزنامه‌ی برق (آذر ماه ۱۲۸۹)

بر اساس اسناد مندرج در مجموعه‌ی اسناد دادگاه‌ها و هیأت‌های منصفه‌ی مطبوعاتی از آن مشروطه تا انقلاب اسلامی (گردآوری مسعود کوهستانی‌نژاد: صص ۲۰۴-۱۹۱) ماجرا از آن است که روزنامه‌ی "شرق" در اوایل شوال ۱۳۲۸ قمری (مهر ماه ۱۲۸۹ شمسی) توقیف می‌شود. بلافاصله روزنامه‌ی "برق" به جانشینی آن و به مدیریت سیدضیاءالدین طباطبائی منتشر می‌شود. روزنامه در شماره‌های ۷ و ۸ خود مطالبی را در نقد ارباب کیخسرو (از نمایندگان مجلس هزینه‌های بی‌دلیل مجلس درج می‌کند. به دنبال آن روزنامه‌ی برق توقیف و مدیر مسئول آن محکمه احضار می‌شود. در ۲۱ ذیقعدی ۱۳۲۸ قمری (مصادف با ۱۲۸۹/۰۹/۰۲ شمسی) از عدلیه و به درخواست مدعی‌العموم جلسه‌ی رسیدگی به پرونده‌ی تخلف مدیر مسئول برق بر می‌شود. در این جلسه که در شعبه‌ی یک محکمه‌ی جزا و با حضور جمعی از تماشاگران تشویقی می‌گردد، میرعماد نقیب‌زاده به عنوان نماینده‌ی مدعی‌العموم اتهام هتک شرف از دارالشورای را به متهم اعلام می‌نماید. نماینده‌ی مدعی‌العموم با قرائت جمله‌ای از مقاله خطاب به نمایندگان مجلس با این مضمون که «روح ملت از شما خبر ندارد و هیأت جامعه‌ی ایرانیان چگونه شد وکیل خود بدانند؟» آن را مصداق توهین به نمایندگان مطرح می‌کند و می‌گوید که اگر بنا

روح ملت از مجلس خود خبر نداشته باشد، دیگر آن مجلس ملی و به نام ایرانیان نیست و در حکم یک مجلس عادی خواهد بود که این هتک بزرگی است به مجلس شورای ملی. همچنین در جمله‌ی دیگر با این عنوان که «وکلایی درست کرده و مجلس تشکیل داده‌اند» مشخص می‌شود متهم مجلس را به رسمیت نمی‌شناسد که این نکته نیز هتک شرف پارلمان است.

سیدضیاء با تأکید بر آنکه هیأت وکلای حاضر در مجلس شورای فعلی را وکلای ملت نمی‌داند، مدعی می‌شود که این موضوع را با دلایل متقنی می‌تواند به اثبات برساند. نخستین جلسه‌ی دادرسی پایان یافته و ادامه‌ی آن به جلسه‌ی بعد موکول می‌شود. در جلسه‌ی دوم که سه روز بعد (۵ آذر ماه) و با حضور حدود ۳۰۰ نفر تماشاگر برگزار می‌گردد، سیدضیاء به ادامه‌ی دفاع می‌پردازد و مدعی می‌شود قانون انتخاباتی موجود که از زمان محمدعلی شاه باقی مانده، ناقص است و در دوره‌ی اخیر نیز در برگزاری انتخابات پارتی بازی شده و ملت از بسیاری مسائل و از نمایندگان بی‌خبر بوده‌اند، لذا انتخاب برخی نمایندگان بر خلاف قاعده و قانون صورت گرفته و این مخالف حق حقیقی ملت است و در واقع حق حاکمیت از مردم سلب شده است. وی همچنین اظهار می‌دارد که ذکر این مسائل و این امور و نقادی از وضع پیش آمده توهین و هتک شرف محسوب نمی‌شود. ادامه‌ی جلسه‌ی دادگاه به روز دیگری موکول می‌گردد.

در همین ایام (۲۳ ذی‌قعدة) برخی نمایندگان مجلس در جلسه‌ی علنی ضمن اعتراض به مطلب منتشر شده‌ی روزنامه‌ی برق، از وزیر عدلیه توضیح می‌خواهند. وزیر عدلیه نیز در پاسخ اعلام می‌کند که وزارت عدلیه نمی‌تواند بدون محاکمه، هر چند هم تقصیر آن شخص معلوم باشد، حکمی صادر کند.

در جلسه‌ی چهارم محکمه (به تاریخ ۲۸ ذی‌قعدة / ۹ آذر) که با حضور تماشاگران ادامه می‌یابد، سیدضیاء با ادامه‌ی دفاع خود، اشاره می‌کند که آنچه بیان کرده است با هدف نقادی صورت گرفته و گرنه هیچ‌گاه مقصود، هتک شرف پارلمان نبوده است و انکار رسمیت آن صورت نگرفته، ضمناً انتخاب برخی وکلای مجلس نیز مخالف با قانون و مواد نظام‌نامه‌ی انتخابات بوده و آن افراد بدون حق، خود را بدان مقام منیع ارتقا داده‌اند. در ادامه‌ی این جلسه، مدعی‌العموم لایحه‌ی خود را قرائت و نکات اتهامی مد نظر را تشریح می‌کند.

با اتمام جلسه‌ی چهارم، ادامه‌ی رسیدگی به جلسه‌ی بعد در اول ذیحجه (۱۱ آذرماه) موکول می‌شود. در این جلسه نماینده‌ی مدعی‌العموم تغییر کرده و آصف‌الممالک جایگزین میرعماد نقیب‌زاده می‌شود. وی از متهم می‌خواهد تا اسناد و سایر ادله‌ی خود را مبنی بر اینکه انتخاب

و کلاهی مجلس بر خلاف قانون صورت گرفته است، به دادگاه ارائه نماید. سیدضیاء از دادگاه این کار مهلت می‌خواهد. دادگاه نیز پس از شور، ۲۰ روز به او برای ارائه‌ی ادله مهلت می‌پس از اعتراض متهم به فرصت کم ارائه شده و اصرار دادگاه، مقرر می‌شود که در همان مقرر، مستندات درخواستی به دادگاه تحویل شود. اما ظاهراً پس از انقضای مهلت، رسیدگی به این پرونده متوقف شده و حکمی برای متهم صادر نمی‌شود. این محاکمه نیز از جهاتی قابل تأمل است:

- نخست آنکه محاکمه بدون حضور هیأت منصفه برگزار می‌شود، جالب‌تر آنکه اعتراض سوی متهم در این خصوص صورت نمی‌گیرد.
- از سوی دیگر علنی بودن محاکمه کاملاً رعایت شده و جلسات رسیدگی معمولاً مه حضور تماشاگران بوده است.
- عدم معرفی وکیل از سوی متهم نیز از جمله دیگر ویژگی‌های این دادرسی است.

ی) تصویب قانون حکومت نظامی

مجلس دوم در ۲۲ رجب ۱۳۲۹ هجری قمری (۲۷ تیر ماه ۱۲۹۰ شمسی) قانون موسوم به «حکومت نظامی» را تصویب کرد که در بخش‌هایی از آن تکلیف نشریات در ایام حکومت نظامی روشن شده بود. ماده‌ی یک این قانون ابتدائاً مقرر کرده بود: «از وقتی که اعلان حکومت نظامی شود اموری که راجع به امنیت و آسایش عمومی است با تصویب هیأت وزرا به توسط وز جنگ اجرا خواهد شد». به دنبال آن در ماده‌ی ۸ تصریح گردید: «روزنامه‌جات و مطبوعات بر ضد اقدامات دولت انتشاراتی به طبع رسانند، نمرات روزنامه و اداره روزنامه توقیف خواهد در صورتی که تحریک به ضدیت دولت شده باشد، متصدیان یا مدیران آن‌ها موافق - محکمه‌ی نظامی مجازات خواهند شد» (به نقل از لوح حق، ۱۳۸۷). این قانون چند سال بعد در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ کاملاً موضوعیت یافت و به استناد آن تمام مطبوعات توقیف (معتدناً، ۱۳۷۹: ۱۷۰).

در هنگام مذاکرات در خصوص لایحه‌ی مورد بحث برخی از نمایندگان در ضدیت مطبوعات آن قدر پیش رفتند که اعلام کردند: "تمامی خرابی مملکت ایران به واسطه خبر اراجیف روزنامه است. عوام که خبری ندارد بلکه خواص هم خبری ندارند. همین خبر غیرمستقیم را درج کردن خانه‌ی مردم را خراب کرده است، عقیده بنده این است که خبر

غیرمستقیم را هم ننویسند در روزنامه". و حتی رسماً پیشنهاد کردند که به جای متن پیشنهادی دولت ماده هشت قانون حکومت نظامی بدین ترتیب تغییر کند: "روزنامجات و مطبوعات اگر بر ضد اقدامات دولت انتشاراتی به طبع برسانند، نمرات روزنامه و اداره روزنامه توقیف خواهد شد. در صورتی که تحریک به ضدیت دولت شده باشد متصدیان و مدیران آنها موافق حکم محکمه نظامی مجازات خواهند شد" (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۰: ۳۳).

ولی چنین پیشنهاداتی با مخالفت عده دیگری از نمایندگان مجلس (وابسته به فرقه‌ی دموکرات) از جمله سلیمان میرزا و شیخ محمد خیابانی روبه‌رو شد. آنان چاره را تنها در این دیدند که برای مقابله با تندروی نمایندگان مجلس نسبت به مطبوعات به دولت پناه برده و از متن پیشنهادی دولت دفاع کنند. ولی در نهایت این مدافعات بی نتیجه مانده و متن پیشنهادی نمایندگان به شرح فوق به تصویب مجلس رسید.

علاوه بر ماده هشت، در ماده دوم قانون حکومت نظامی در خصوص تشکیل دادگاه رسیدگی به جرائم تعیین شده در قانون مذکور قید شده است: "باید محاکمه نظامی موقتی تشکیل داده شود که با سرعت و شدت در تقصیرات و اقداماتی که بر ضد امنیت و آسایش عمومی است، رسیدگی نمایند".

قانون حکومت نظامی از جمله قوانینی است که طی سال‌های بعد مفاد آن دائماً در تعارض مستقیم با تشکیل دادگاه‌های مطبوعاتی قرار گرفت. در سال‌های بعد، خصوصاً در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰، قانون حکومت نظامی نقش اصلی را در روند عدم تشکیل دادگاه‌های مطبوعاتی ایفا می‌کرد. شاید بتوان روزنامه‌ی "ایران نو" را نخستین قربانی اجرای قانون حکومت نظامی ذکر کرد. زیرا بنا به خبری که در نخستین روزهای مرداد ۱۲۹۰، یعنی هنگامی که تنها چند روز از تصویب قانون حکومت نظامی گذشته بود، از سوی وزارت داخله منتشر شد: "چون در نمره ۱۰۲ روزنامه‌ی ایران نو نسبت به حضرت آقای سپهدار اعظم و وزرای سابق توهین وارد آمده و عبارات مندرجه آن به کلی بر ضد اقدامات و مقاصد هیأت دولت بوده است بنابراین قدغن شد عجالتاً روزنامه‌ی مزبور توقیف باشد تا ثانیاً حکمی که لازم است از طرف هیأت وزرا بشود".

در این میان آنچه بدیهی می‌نمود تعارض عینی مفاد قانون حکومت نظامی است با قانون و متمم قانون اساسی و اساساً با دیگر قوانین موضوعه‌ی کشور که تا آن زمان به تصویب رسیده، هم نمایندگان حاضر در مجلس شورای ملی به هنگام تصویب قانون مذکور و هم رجال و احزاب سیاسی از این تعارض مطلع بودند، لیکن وضعیت پیچیده و بحران سیاسی موجود در ایران از سال

۱۲۹۰ به بعد (از جمله اشغال بخش‌هایی از ایران به وسیله روس‌ها و انگلیسی‌ها، کشیده دامنه جنگ جهانی اول به ایران) که اساساً کیان و تمامیت ارضی کشور را مورد تهدید می‌داد، توجیه‌گر وجود قانون حکومت نظامی بود. به تعبیری دیگر در این سال‌ها آزادی استقلال شد و این موضوع علی‌رغم سوء استفاده‌هایی که جناح‌های سیاسی در تسویه حساب خود با رقبای آن کردند، از دیدگاه آزادی خواهان و مشروطه طلبان و نیز احزاب آزادی مورد پذیرش قرار گرفت (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۳۴).

گ) الزام مطبوعات به اخذ مجوز انتشار از دولت

یکی از رویدادهای مهم مرتبط با مطبوعات در سال ۱۲۹۶، مربوط بود به مصوبه‌ی هیأت (معروف به مصوبه‌ی علاءالسلطنه) که بر اساس آن شیوه‌ی "اجازه‌نامه" انتشار نشریه که در مطبوعات پیش‌بینی شده بود به شیوه‌ی "صدور پروانه‌ی انتشار" توسط هیأت وزرا تغییر می‌یافت. ماجرا از آن قرار بود که هیأت وزیران (به ریاست محمدعلی علاءالسلطنه) در تاریخ ۱۸ / ۱۳۳۵ (۱۶ مرداد ماه ۱۳۳۶) مصوبه‌ای داشت که برای نخستین بار انتشار مطبوعات را مشروط بر اخذ اجازه از هیأت دولت گزید. در این مصوبه تصریح شد: «هیأت وزرای عظام تصویب فرمود که از این تاریخ اشخاصی که امتیاز روزنامه از وزارت معارف می‌خواهند، باید اجازه‌ی آن تصویب هیأت وزرای عظام رسیده باشد و نیز کلیه‌ی امتیازاتی که قبل از تشکیل کابینه‌ی حا از طرف وزارت معارف داده شده و تا کنون اشاعه نیافته، توقیف و موکول به اجازه‌ی هیأت خواهد بود» (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۳۵). این مصوبه نقطه‌ی آغازی شد برای گذر از نظام اعلام‌نا، نظام پیشگیری، امری که به تدریج قوت یافت و در قوانین بعدی بدان تصریح شد. همچنین در مصوبه مقرر گردید: «مادامی که قانون هیأت منصفه به تصویب مجلس شورای ملی نرسیده است شکایت راجع به مطبوعات بدون حضور هیأت منصفه در محاکم عدلیه رسیدگی خواهد شد» (شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۷: ۱۳). نکته‌ی مهم دیگر آنکه در همین تصویب‌نامه، محاکمه‌ی جرایم محاکم اداری وزارت معارف مجدداً به عهده دادگاه‌های عدلیه محول شد. البته مشروط است. این کار به تشکیل دادگاه بدون حضور هیأت منصفه با توجیه عدم وجود قانون هیأت منصفه ه بود. علت صدور این تصویب نامه را شاید بتوان به رونق نسبی جرایم در سال ۱۲۹۶ و اعتراض آنان به توقیف‌های انجام شده توسط دولت ارتباط داد.

ولی علی‌رغم این موضوع، در رابطه با محاکمه‌ی جریده "پارسی" که هم زمان با صدور تصویب‌نامه‌ی مذکور در جریان بود، باز هم شخص وزیر معارف (میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک) دستور توقیف جریده را صادر کرده و محاکمه آن جریده نیز در وزارت معارف انجام شد. این تنها مورد تخلف دولت از تصویب‌نامه خود نبود، بلکه چند ماه بعد در جمادی‌الاول ۱۳۳۶ قمری (اسفند ماه ۱۲۹۶ شمسی) دولت به بهانه آنچه "فحاشی، هتاک‌ی و بی‌شرمی دستور تحریر و روح تقریر جراید گردیده و در عوض اصلاح اخلاق عمومی و تذکار فواید امور اجتماعی، به القاء نفاق و تدارک هرج و مرج و تکثر فحشاء و منکر می‌پردازند" دستور داد "برای دفع این ضرر و بالاخره به نام حفظ مصالح مملکت که مافوق تمام ملاحظات است، مقرر داشت که از نشر کلیه جراید دایره جلوگیری شود و فقط به روزنامه‌ی ایران که قلم خود را محفوظ داشته است اجازه داده می‌شود که اخبار مفیده را نشر و واقعات یومیه را به اطلاع عامه برساند". علاوه بر توقیف سراسری از سوی دولت "تا زمان افتتاح مجلس در ثانی اجازه طبع به جریده داده می‌شود ولی مشروط به شرایطی که دولت مقرر خواهد داشت. توضیح آنکه مطلقاً طبع جراید و هر قبیل مقالات سیاسی بدون تحصیل اجازه و رعایت شرایط مقرر تعطیل است".

توقیف سراسری مذکور خط بطلانی بر تصویب‌نامه‌ی مرداد ۱۲۹۶ و یا اقدامات مشابه دیگر دولت بود که انجام آنها بیش از اینکه اقدامات عملی برای گسترش آزادی‌های مطبوعاتی باشد به مانورهای سیاسی شباهت داشت. البته تغییر هر یک از کابینه‌ها سبب تغییر تصمیمات کابینه‌ی قبلی می‌شد. به همین ترتیب، مدتی پس از توقیف سراسری جراید تهران که در دوره رئیس‌الوزرای مستوفی‌الممالک اتفاق افتاد، در کابینه‌ای که ریاست آن را وثوق‌الدوله به عهده داشت بار دیگر جراید اجازه انتشار یافته و اندک مدتی بعد بار دیگر وضعیت چاپ و نشر جراید به حالت قبل از فروردین ماه ۱۲۹۷ بازگشت (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۳۶).

نتیجه‌گیری

انتشار مطبوعات در ایران، حدود ۷۰ سال قبل از انقلاب مشروطیت آغاز گردید. در اغلب این سال‌ها که مصادف با سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بود، هیچ ضابطه‌ی روشنی بر فرآیند روزنامه‌نگاری ایران حاکمیت نداشت و حیات و ممات مطبوعات به دست دربار سلطنتی و شخص شاه رقم می‌خورد. پیروزی انقلاب مشروطه در ایران، تلاش در جهت قانون‌مند کردن حکومت و نظم بخشیدن به امور جامعه محسوب می‌شد که می‌توانست نویدی برای حیاتی پرنشاط برای

مطبوعات باشد؛ چنانکه از نخستین اقدام صورت گرفته در این زمینه (یعنی تصویب نخستین مطبوعات ایران در ۵ محرم ۱۳۲۶ قمری) چنین بهشارتی بازتاب می‌یافت، قانونی که به تأیید قانون مطبوعات ۱۸۸۱ فرانسه تدوین و به عنوان دقیق‌ترین و مفصل‌ترین قانون مطبوعات شناخته می‌شود و پیش‌بینی نظام "اعلام‌نامه" در آن (یعنی بی‌نیازی مطبوعات از اخذ مجوز از دولت) از جمله بارزترین مشخصات آن محسوب می‌گردد.

با این وجود، حوادث تاریخی سال‌های بعدی (از جمله توقیف‌های مکرر مطبوعات و محاکمه، ترور و قتل روزنامه‌نگاران و ایجاد محدودیت‌های غیر قانونی برای مخالفان) نشان‌دهنده خوی استبدادی سلطنت، آن چنان ریشه‌دار و پایدار است که خواست مشروطه‌طلبان برای کنترل قدرت حاکمه تحت لوای قانون، آرزویی بیش نیست.

ایجاد محدودیت برای مطبوعات که در سال‌های نخستین پس از مشروطیت، غیر قانونی می‌رسید و مورد اعتراض اهل فکر و فرهنگ قرار داشت، به تدریج رنگی از قانون به خود گرفت با تصویب قانون دفع سلاح از اشخاص غیر نظامی (مرداد ماه ۱۲۸۹) و قانون حکومت نظامی ماه ۱۲۹۰) و علی‌الخصوص مصوبه‌ی دولت علاءالسلطنه (مرداد ۱۲۹۶) مبنی بر ضرورت مجوز انتشار مطبوعات از دولت، مشروعیتی تازه یافت. اینگونه شد که توقیف گروهی و محاکمه‌ی مطبوعات در هر سه مقطع زمانی مورد اشاره، پشتوانه‌ای از قانون به همراه داشت و وجود قانون جامع، مفصل و مشروحی چون قانون مطبوعات پنجم محرم ۱۳۲۶ قمری، نتوانست تضمین‌کننده‌ی حقوق و آزادی‌های مطبوعاتی باشد.

فهرست منابع

- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۲). قانون مطبوعات و سیر تحول آن در حقوق ایران، انتشارات سروش، چاپ چهارم.
- باقی، عمادالدین، (۱۳۸۳). بررسی انقلاب ایران، نشر رسایی، چاپ سوم.
- براون، ادوارد، (۱۳۳۵). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه‌ی محمد عباسی، انتشارات معرفت، تهران.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم، (۱۳۶۸). مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، انتشارات دانشگاه تهران.
- سلطانی لرگانی، شهرام (و امیررضا سادات باریکانی)، (۱۳۸۸). مجموعه قوانین و مقررات مطبوعات، تهران، انتشارات خرسندی.
- شیخ الاسلام، عباس (معاونت آموزشی قوه قضائیه)، (۱۳۸۷). بررسی تحلیلی جرائم مطبوعاتی، انتشارات جاودانه، چاپ اول.
- صالحی انصاری، محمدجواد، (۱۳۸۵). دادگاه مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول.
- صدر هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران، نشر کمال، اصفهان.
- طاهری موسوی، معصومه، (۱۳۷۹). گذری به تاریخ سیاسی مطبوعات و قوانین مطبوعاتی در ایران از ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۷، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران.
- قاسمی، سیدفرید، (۱۳۷۹). تاریخ روزنامه‌نگاری ایران (مجموعه مقالات)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

- قاسمی، سیدفرید، (۱۳۸۰). سرگذشت مطبوعات ایران (مجموعه مقالات)، مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قاسمی، سیدفرید، (۱۳۸۳). رویدادهای مطبوعاتی ایران (۱۳۸۲-۱۳۱۵)، مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران.
- قره‌باغی، محسن (و حبیب‌الله اصغری)، (۱۳۷۸). نگرشی بر قانون مطبوعات مشروطیت تا امروز، نشر پنگان، چاپ اول.
- کدی، نیکی آر، (۱۳۸۱). ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود (و کاوه‌ی بیات)، (۱۳۷۲). اسناد مطبوعات (۱۳۲۰-۱۲۸۶) شماره سازمان اسناد ملی ایران.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود، (۱۳۸۰). اسناد دادگاه‌ها و هیأت‌های منصفه مطبوعاتی انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران.
- محیط طباطبایی، محمد، (۱۳۶۶). تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، انتشارات بعثت، تهران.
- معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۷۹). حقوق مطبوعات، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران.
- معین‌فرد، محمدرضا، (۱۳۸۸). سیر تحول قوانین مطبوعات در ایران، مرکز راه انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول.
- نرم‌افزار لوح حق، (مجموعه قوانین و مقررات کشور)، معاونت پژوهشی مر پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بهار ۱۳۸۷.